

بحث، مختصری

در

## کیفر شناسی

دکتر محمد شاهکار  
وکیل دادگستری

بعضی از مسایل که در بادی امر ساده و بیش یا افتاده بنظر می رسد ، گاه در عمل آنقدر پیچیده و مشکل می شود که اگر دقت و توجه بسیار در پیدا کردن راه حل بکار نرود ، نه تنها نتیجه مورد نظر بدست نخواهد آمد ، بلکه خلاف منظور حاصل خواهد شد .

می دانیم که جرم هر فعل یا ترك فعلی است که بموجب قانون قابل مجازات یا مستلزم اقدام تأمینی و تربیتی است .

بیان ساده مطلب این است که اگر کسی مرتکب عملی شود که قانون جزا آنرا جرم بداند ، باید مکافات کرده خود را به بیند و مجازات شود تا اخلاقی که در نظم عمومی وارد آورده ، تکرار نگردد و در عین حال جبران خسارات زیان-

دیده بشود و خود فرد مجرم نیز اصلاح گردد و با بهبودی او دیگر کار خلافی صورت نگیرد تا جامعه و افراد در پناه و مصونیت باشند.

**فلسفه و مبنای مجازات** هر چه باشد و از وندتا<sup>(۱)</sup> که شروع کنیم تا اصلاح و بهبود مجرم کند برسیم ، يك امر مسلم است و آن لزوم اجرای مجازات است بصورت تنبیه و مکافات یا اقدامات تأمینی که آنهم اغلب صورت کیفر دارد.

مسئله مهم در این است که این مجازات خود چه باید باشد تا مفید بوده و نتیجه دلخواه جامعه حاصل شود. نتیجه‌ای که از مجازات می‌خواستند، در طول ایام فرق کرده. قانون الواح ۱۲ گانه مطلب را ساده بیان می‌کند: «دندان برای دندان، چشم برای چشم». مجازات مکافات قطعی عمل و انتقام کردار بد است. نفس فعل بد باید مجازات شود، خواه فاعل مسئول و با اراده باشد یا مجنون و بدون اراده. کرده مورد نظر است، نه فاعل، کار بد را باید مجازات داد.

با این طرز فکر نه تنها افرادی شعور مجازات می‌شوند، بلکه صغیر و مجانین و حتی حیوانات و اشیا هم مجازات می‌بینند. نه تنها خود مجرم مکافات عمل خود را باید ببیند، بستگان و اقربا و قبیله و خانواده او هم مجازات خواهند شد. «مکافات عمل» و انتقامجویی. بر مبنای فلسفه ذاتی عمل بد و لزوم مکافات دیدن آن است.

این طرز فکر حتی دیگر مجال بحث بین طرفداران آزادی عمل و جبری بودن آن را نمی‌دهد و چنانکه عرض شد، نفس فعل بد و لزوم تشفی و رضایت زیان‌دیده مورد نظر است؛ بد را باید با بد جواب داد و تنها فکری که برای جلوگیری از تکرار می‌شد، جنبه سخت‌ارعایی مکافات بود که با سر و صدا و تشریفات و تبلیغات فراوانی صورت می‌گرفت تا بدکاران بدانند چه عقوبتی بدنبال آنهاست و چه بلایی بسر آنان خواهد آمد. تا قبل از انقلاب بزرگ فرانسه

1) Vendetta .

مجازات‌هایی از قبیل مجازات چرخ (روی دو تکه چوب که بشکل X بود، مقصر را می‌بستند و بایک تکه آهن دست و پا و سینه او را خرد می‌کردند)، شقه کردن (چهار دست و پای مجرم را به چهار اسب می‌بستند و اسبها را به چهار سوی تازاندند)، سوزاندن، قفس، سرداب، فراموشی، داغ کردن، سنگسار کردن، سر بریدن و غیره در اروپا رواج داشت.

در ایران خودمان تا پایان استبداد مجازات‌هایی از قبیل کندوزنجیر، سیخ گذاخته در چشم فرو کردن، سرب بدهان ریختن، مهار کردن، شقه کردن، به توپ بستن، از منار پرتاب کردن، میان جرز دیوار گذاشتن، با گاو سرکندن و بالاخره سر بریدن جاری بود.

در طول تاریخ اعتراضات خیر خواهان جامعه و دانشمندان علم الاجتماع و مخصوصاً پژوهندگان علم جزا بلند شد. مکتبهای مختلف و متعددی اظهار نظر کردند: نحله‌های کلاسیک، تحقیقی، کلاسیک نو، دفاع اجتماع، مفید بودن مجازات و غیره، هر کدام بطور مشروح و بعضی اظهار عقیده کردند و بالاخره باین نتیجه رسیدند که تنها سختی و کمیت مجازات موثر در جلوگیری از ارتکاب جرم و تامین امنیت جامعه نخواهد بود، بلکه مجازات باید مفید باشد؛ مفید بحال جامعه و مفید برای فرد. باید در اصلاح فرد مجرم کوشید، باید بهبود او مورد نظر باشد و ضمناً جامعه را در پناه نگاهداشت.

اجازه می‌خواهم قبل از اینکه باخذ نتیجه مبادرت کنم، سه سه طرز فکر بطور خیلی ساده و مختصر اشاره کنم.

۱) امانوئل کانت فیلسوف معروف آلمانی و طرفدار اجرای عدالت

مطلق در افسانه معروف «جزیره متروک» طرز فکر خود را چنین بیان

می‌کند: تمام سکنه يك جزیره تصمیم می‌گیرند که آن جزیره را ترك و جلای وطن کرده متفرق شوند تا در محله‌های دیگری مستقر گردند. در بین آنان يك محکوم به اعدام است. آیا باید حکم اعدام را قبلاً درباره او اجرا کرد و سپس جزیره را ترك نمود؟ یا آنکه محکوم را در جزیره رها کرده و تمامی سکنه خارج شوند؟ کانت می‌گوید «عدالت باید اجرا گردد.» زیرا يك قانون اخلاقی هست که مافوق جامعه است و آن این اصل است که «جنایت نباید بدون مکافات بماند.»

اما فیلسوف آلمانی اشتباه می‌کند. فکر او هم غلط است، هم خطرناک؛ غلط است، زیرا وظیفه قدرت عمومی در هر مورد و موقع این نیست که عدالت را بوسیله قانون جزا اجرا نماید. قدرت عمومی وقتی این کار را می‌کند که برای حفظ جامعه ضروری باشد. وقتی جامعه‌ای در بین نیست، دیگر این چه عمل و حشیانه‌ایست که صورت می‌گیرد؟ اما خطرناک است، زیرا اشتباه و اختلاطی بین قانون جزا و قوانین اخلاقی و مذهبی به بار می‌آورد و حال آنکه مورد نظر این دو قانون یکی نیست.

۲) آنری کوفری (افق‌های جدید عدالت جزایی). دفاع از جامعه باید بوسیله تدابیر و اقداماتی صورت بگیرد که هیچ‌گونه رنگ اخلاق ندارند و این تضمین‌ها اساساً نام مجازات نمی‌تواند داشته باشد، بلکه اقداماتی است که بطور پیشگیری از وقوع جرم صورت می‌گیرد. این اقدامات تأمینی که جانشین مجازات‌ها خواهد شد، بهتر منظور را تأمین می‌کند.

فری برای تفهیم منظور خود مثالی می‌زند و می‌گوید: «در کوچه تاریکی اغلب جرایمی رخ می‌دهد. برای آنکه اعمال خلاف قانون در کوچه مزبور تکرار نشود، باید کوچه را روشن‌تر کرد و از ظلمت و تاریکی

رها کنید. ولی اگر بجای این کار عده‌ای پاسبان بگمارند و زندانها بنا کنند تا مجرمین را دستگیر و زندانی نمایند، جلو تکرار واقعه را نخواهد گرفت.

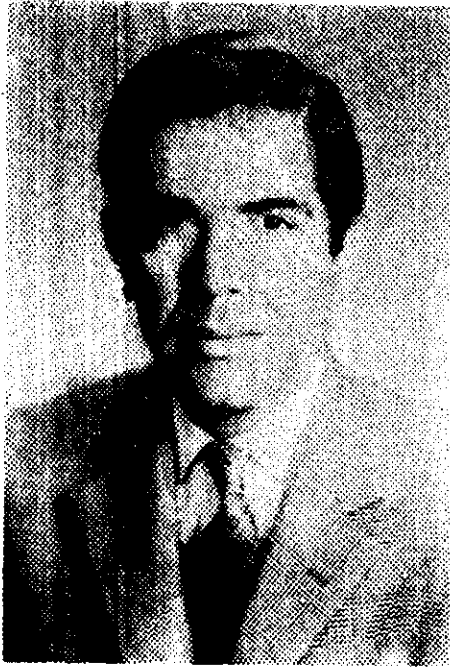
در اینجا فقط مجرم با خصوصیات روحی و اخلاقی او در نظر گرفته می‌شود. اقدامات تأمینی بسیار تدابیر خوب و ارزنده‌ایست، ولی به تنهایی کافی نیست. فری می‌خواهد و وظیفه حفظ دفاع جامعه را فقط و فقط از راه اصلاح و بهبود فرد تأمین کند. فکر خیلی عالی است، ولی کافی برای مقصود نیست؛ چه با اجرای اقدامات تأمینی بدون هیچ مجازات جلو گیری از اختلال نظم جامعه کار آسانی نیست.

(۳) رسی (دانشمند ایتالیایی، استاد دانشکده حقوق پاریس) نظریه مفید بودن مجازات را می‌دهد و نحله «کلاسیک فرانسوی» بر پایه این اصل درست شده. «مجازات نباید بیش از حد لازم و بیش از حد مفید بودن باشد.» مسئله مشکل در همین است که این «حد» چگونه تعیین می‌گردد.



متأسفانه قانون مجازات عمومی ما از قانون ناپلئونی ۱۸۱۰ اقتباس شده و مجازاتهای قانون جزای فرانسه بیشتر جنبه ارعایی داشته. درست است که تغییرات زیادی در مقررات جزایی قانون ایران داده شده و افکار نوین و مسایل جزایی تازه‌ای در قوانین ایران وارد شده است (آزادی مشروط، اقدامات تأمینی، جرایم مربوط به صغار، تعمیم قانون تعلیق مجازات و غیره)، ولی هنوز استخوانبندی قانون مجازات عمومی ایران همان اصول کهنه قانون ۱۸۱۰ میلادی فرانسه است که ۵۰ درصد آن در خود فرانسه تغییر یافته است.

مجازات باید **داروی شفا بخش** باشد. در درجه اول مجرم را بهبودی دهد که از تکرار جرم جلو گیری بعمل آید و در درجه دوم دفاع از جامعه گردد که افراد



دکتر شاهکار

امنیت و مصونیت داشته باشند. تجربه ۵۰ ساله قانون مجازات عمومی ما نشان داد که این منظورها کاملاً عملی نمی‌شود. از تعداد جرایم کم نشده و اگر سطح جرایم تا اندازه‌ای پایین آمده، مربوط به اصلاحات اجتماعی است که معلول انقلاب سفید است و الا از نظر قانون جزا ما خیلی عقب مانده هستیم و قانون جزای ما با تحرك و پیشرفتهای اجتماعی ما مطابقت ندارد.



مجازات را وسیله بهبود فرد و امنیت جامعه می‌شمرد و جنبه اعرابی محض آنرا متروک می‌داند.

جای خوشوقتی است که دادگستری

مشغول اصلاح قانون جزاست و امیدواریم

با در نظر گرفتن مصالح اجتماع این اصلاحات بزودی تدوین شده از قوه مقننه بگذرد و تا عملی شدن آن اکنون انتظار از رویه محاکم است که با امکانات

قانونی که دارا می‌باشند، در تعیین مجازات رعایت بهبود مجرم و دفاع جامعه را

بکند و لو آنکه رای سازشی بدهند. مطالعات فریبنکی

پرتال جامع علوم انسانی